

عراق و جنگ تمام عیار مذهبی

یادداشت روزدکتر ابراهیم یزدی

۸۵/۱۱/۱۸

- ۱- در روزهای ۷ و ۸ محرم امسال، یک گروه مسلح جدید التاسیس بنام «سپاه بهشت»، به مقصد تخریب اماکن مقدسه و قتل علمای اسلام به نجف حمله کردند. آمار دقیق تلفات این حمله بدرستی اعلام نشده است. اما برای فهم ابعاد این حمله کافی است به تعداد تلفات مهاجمین، ۲۶۳ نفر و دستگیر شدگان، ۱۲۰ نفر توجه شود. در میان کشته شدگان و دستگیر شدگان اتباع کشورهای سودان، افغانستان و سعودی نیز وجود دارند.
- این اولین حمله مسلحانه به مراکز شیعه نبوده و آخرین آن نیز نخواهد بود. در طی دهه اول محرم امسال، در بغداد، کاظمین، مندلی، خانقین، بلدروز نیز حملات مشابه، اگرچه در ابعاد کوچکتر صورت گرفته است و جمع کثیری از زنان، مردان و کودکان بیگناه کشته شده اند.
- حمله به شیعیان و واکنش شیعیان، منحصر به عراق نیست. در سایر کشورها بخصوص هند و پاکستان، سالهاست که گروهی بنام سپاه صحابه، به مساجد، حسینیه ها و گردهمایی های شیعیان، به ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا به صفوف عزاداران حسینی، حمله می کنند.
- اختلاف میان مذاهب و فرقه های دینی، در همه ادیان و از جمله در میان مسلمانان، یک پدیده جدید و نوظهوری نیست. و این که هر گروهی یا فرقه ای فقط خود را حق، و حق مطلق بدانند، و دیگران را فاقد ارزش و یا بیرون از دین بدانند نیز امر نوظهوری نیست. به عنوان نمونه به روایت قرآن کریم:
- «و قالت الیهودُ لَیْسَتِ النَّصَارَى عَلٰی شَیْءٍ و قالت انصارى لَیْسَتِ الیهودُ عَلٰی شَیْءٍ و هم یتلون الکتاب، کذلک قال الذین لا یعلمون مِثْلَ قَوْلِهِمْ. فَاِنَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیْمَةِ فِیْمَا کَانُوا فِیْهِ یَخْتَلِفُونَ. بقره ۱۱۳
- و یهود گفتند نصارا بر چیزی نیستند و نصارا گفتند یهود بر چیزی (حقی) نیستند. با آنکه همه آنها کتاب آسمانی را می خوانند. همچنین نادان ها نیز مانند سخن آنها را گفتند (که مسلمین برحق نیستند). پس خدا روز قیامت میان آنها درباره اختلافشان داوری خواهد کرد.»
- این که یک گروه دینی، صرفاً و انحصاراً خود را رستگار و اهل حق و بهشت و سایرین را مرتد و جهنمی و یا واجب القتل بدانند، آن نیز در میان همه ادیان سابقه دارد. در میان مسلمانان، هم شیعه و هم سنی اظهار نظرهای فقهی و حقوقی از این نوع داوری های افراطی و غیر قرآنی بسیار دیده شده است. از آن جمله است بیانیه ها و فتاوی اخیر علما و شیوخ سعودی.
- ۲- در شرایط کنونی جهان و در برابر رشد خود جوش و روز افزون اسلام و در برابر بیداری و آگاهی مسلمانان، مراکز دینی و نهادهای ویژه ای در جهان از جمله محافظه کاران جدید آمریکا و گروههای فشار صهیونیستی ترس موهوم از اسلام یا Islam Fobia را مطرح کرده اند و دو راهکار را در دست اجرا دارند: در یک سطح یورش به اسلام از بیرون، در اشکال گوناگون، از کاریکاتورهای موهن گرفته تا بیانات تحریک آمیز پاپ و در سطح دیگر تحریک و انفجار از داخل بدست خود مسلمانان.

۳- در هفتم دسامبر ۲۰۰۶ (۱۶ آذر ۱۳۸۵)، سی و هشت نفر از علما و شیوخ سعودی، از ائمه مساجد تا قاضیان دادگاهها در جده و ریاض و استادان دانشگاه اسلامی و ام القراء - بیانیه ای را منتشر ساختند، که در آن اولاً سقوط بغداد را یک فاجعه بزرگ اعلام کرده اند، ثانیاً آنرا نتیجه توطئه مشترک صلیبیون، صفوی ها و رافضی ها، و هدف آنرا حفاظت و حمایت از اشغالگران یهودی و محدود ساختن نفوذ سنی ها در منطقه و ایجاد «هلال شیعی» و تجزیه عراق به سه منطقه کردی - شیعی و سنی دانسته اند. این متفکران برجسته سعودی، شیعیان را «رافضی»، به معنای خارج شده از دین و ایرانیان را «صفوی ها» و نیروهای خارجی اشغال کننده عراق را صلیبیون نامیده اند.

براساس این بیانیه، و به استناد آن یکی از سخنگویان القاعده، بنام **لویس عطیه الله** - شیعیان را «کافر» خوانده و از «تمام سنی ها» خواسته است که خود را مسلح کنند و از «شورشگران» که وی آنان را «مجاهدین» می خواند، حمایت نمایند و به آنها به پیوندند.

دو سال قبل از آن در دسامبر ۲۰۰۴ **ملک عبدالله پادشاه اردن** شکل گیری **هلال شیعی** را به عنوان خطری که خاورمیانه را تهدید می کند مطرح ساخت. یک ماه بعد از آن در ژانویه ۲۰۰۵ - **حسنی مبارک** نیز، ضمن حمله به شیعیان، وابستگی شیعیان افغان و عراق و پیوند آنان را با ایران بیش از علاقه آنان به میهنشان دانست.

جدیدترین حمله به شیعیان، فتوای یکی از بزرگترین مقامات مذهبی سعودی - **شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین** - عضو مجلس اعلای افتاء و دعوت و تبلیغ سعودی، در سوم محرم ۱۴۲۸ (امسال) تحت عنوان ضرورت یاری اهل سنت در عراق می باشد. او توضیح می دهد که اهل تسنن در دوران بنی امیه و بنی عباس و سپس عثمانی و بعد از آن تا زمان صدام قدرت را در عراق در دست داشته اند. اما اکنون شیعیان در صدد تصاحب قدرت هستند و او از تمام سنی ها دعوت کرده است تا در برابر سلطه شیعه بر سنی بایستند. او در این بیانیه دلایل و دیدگاههای خود را علیه شیعیان در هفت بند شامل همه آن چیزهایی که در طی ۱۴۰۰ سال گذشته بین دو مذهب مطرح می باشد عنوان می نماید.

بی تردید این نوع بیانیه ها و موضع گیری ها نه تنها در تعارض با ضرورت وحدت مسلمانان می باشد، بلکه به جنگ فرقه ای دامن می زند.

۴- کینه و نفرتی که در این بیانیه ها و مواضع از جانب این گروهها به تحریک برخی از علمای سعودی اعلام می شود، یک طرف نیست. یکی از موارد هفت گانه که **شیخ عبدالله جبرین**، علیه شیعیان مطرح می کند **غلو شیعیان** درباره امامان و یا رفتارهای غیر عقلانی در ایام تاسوعا و عاشورا، نظیر قمه زدن می باشد. گرچه بسیاری از علمای شیعه این رفتارها را منع کرده اند اما هیچ ممانعت جدی از انجام آنها صورت نگرفته است. در میان برخی از روحانیون شیعه و پیروان آنان نیز کسانی هستند که بر مواضع **غلوآمیز** یا افراطی خود اختلافات و کینه های فرقه ای را دامن می زنند و به انواع بهانه ها، بر محدودیت آزادی اقلیت های دینی و یا مذهبی می افزایند. در حالی که اقلیت های دینی در شهرهایی نظیر تهران، اصفهان، معابد و کلیسای خود را دارند، برادران اهل سنت از داشتن مسجد مستقل خود در تهران و برخی دیگر از شهرستانها - نظیر مشهد، محروم هستند. برخی از

شیعیان، به بهانه عزاداری برای سرور شهیدان، امام حسین(ع)، مطالبی علیه شخصیت های تاریخی اسلام بیان می کنند که برای اهل تسنن بسیار موهن و غیرقابل قبول در مواردی غیرقابل تحمل است.

بیاد دارم هنگامی که در سال ۱۳۵۸ میان سیستانی ها (عموماً شیعه) و بلوچها (عموماً سنی) در زاهدان درگیری مسلحانه رخ داد و به عنوان نماینده ویژه امام برای حل بحران به زاهدان رفته بودم، هنگامی که به اتفاق مرحوم مولوی عبدالعزیز به عیدگاه، محل گردهمایی سیستانی ها و بلوچ ها، رسیدیم، ناگهان تیراندازی از همه طرف آغاز شد بطوری که شرکت در گردهمایی میسر نشد، ما را به منزل مولوی عبدالعزیز بردند. جایی که بیش از یکصد نفر از مولوی ها و علمای اهل سنت، جمع شده بودند، و هفت هزار بلوچ مسلح تمام منطقه را محاصره و اشغال کرده بود. یکی از ایراداتی که برخی از مولوی ها در آن جلسه، آنهم بسیار گستاخانه مطرح کردند، مطالبی بود که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی علیه معاویه- که آنها او را امیر المومنین و کاتب وحی می دانستند پخش می شد. اینکه شیعیان و سنیان هر کدام درباره عشره مبشره، طلحه و زبیر و معاویه چه موضعی دارند، یک بحث است، اما اینکه در شرایط کنونی جهان، مسلمانان برغم آموزه های قرآنی، بنام دین و شعایر آن، به جان هم بیفتند و یکدیگر را از بین ببرند، مطلبی بدور از هر نوع فرزاندگی و یا صدق در ایمان است.

۵- شواهد و قرائن نشان می دهد که اسرائیل بیش از هر زمان تحت فشار بین المللی برای تمکین از قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸، یعنی تخلیه کامل سرزمین های اشغالی در جنگ ۱۹۶۷ و بازپس دادن آنها به فلسطینیان و به رسمیت شناختن یک دولت مستقل فلسطینی در این اراضی می باشد.

جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا، صریحاً می نویسد که اسرائیل مانع اصلی صلح در خاورمیانه است. در چنین شرایطی، تحریکات جدی برای براه انداختن یک جنگ تمام عیار فرقه ای در عراق اوج گرفته است. بی هیچ تردیدی، ادامه این جنگ در عراق به سایر کشورهای اسلامی، عربی و غیرعربی گسترش پیدا خواهد کرد. و سرتاسر منطقه و جهان اسلام را در خود فرو خواهد برد.

تاریخ گواه برآن است که از میان تمامی جنگ ها، جنگهای مذهبی خشن ترین و بی رحمانه ترین آنهاست.

۶- مسلمانان آگاه، هوشیار و خداترس نباید اولاً اسیر این جو و تبلیغات شوند و ثانیاً باید با تمام نیرو برای خنثی کردن آن دست به دست هم بدهند.

علما و متفکرین فراوانی از میان برادران اهل سنت در مصر و لبنان و سایر کشورها، علیه این نوع سم پاشی ها موضع گرفته و آنرا نفی کرده اند.

قرآن کریم این نوع حرکات و اختلافات و درگیریها میان مسلمانان را تقبیح نموده و مسلمانان را از آن برحذر داشته است. قرآن مسلمانان را به پرهیز از تفرقه فرا می خواند:

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. انفال ۲۵

از فتنه ای بترسید که تنها دامن ستمگران شما را نمی گیرد و بدانید که خداوند سخت کیفر است.

اظهار نظر این دسته از علمای سعودی و پیروان آنان هیچ پایه و ریشه روشنی در قرآن کریم ندارد. اینان در مواضع خود علیه شیعیان به آیات قرآن استناد ننموده اند. بلکه به نظر می رسد، صرفاً تحت تاثیر و یا تحریک

نهادهای سیاسی خاصی این مواضع را، ولو صادقانه، اتخاذ کرده اند که در نهایت به نفع دشمنان اصلی اسلام تمام خواهد شد.

بی تردید این جنگ ها به نفع مسلمانان نیست؛ به نفع سنی ها؛ نیست به نفع شیعیان نیست. تنها به نفع دشمنان اسلام و مسلمانان است. آنرا متوقف کنید. مگر قرآن امر نمی نماید که:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. آل عمران ۱۰۵»
همانند آن کسان نباشید که پس از آنکه آیات روشن خدا بر آنها آشکار شد پراکنده گشتند و با یکدیگر اختلاف ورزیدند. البته برای اینان عذابی بزرگ خواهد بود.»

۷- برای توقف این آتش:

۱-۷- علما و مراجع قم و سایر شهرها، طی یک نامه دسته جمعی به علمای مسلمان در سراسر جهان و از جمله خطاب به ۳۸ امضاء کنند. بیانیه اخیر و سایر شیوخ سعودی، به آنان هشدار بدهند و همگان را به تشکیل یک همایش جهانی جهت گفتگو و یافتن راه های توقف این برادرکشی دعوت نمایند.

۲-۷- مراجع و رهبران دینی در کشورهای عربی خاورمیانه، بخصوص در کویت، بحرین، امارات، سوریه، لبنان با هماهنگی علمای سنی، در یک روز معین، در یک صف حاضر شوند و با هم نماز وحدت بخوانند و برای صلح و آرامش مسلمانان دعا کنند.

۳-۷- در عراق، قاطبه اهل سنت با حملات گروههای تند و افراطی سنی به شیعیان و برعکس موافق نیستند و حمایت نمی کنند.

بنابراین به جاست که آیت الله سیستانی، مرجع مورد احترام شیعیان و همچنین اهل سنت، با هماهنگی علمای اهل سنت، امکان برگزاری نماز وحدت با شرکت همه مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی را در عراق فراهم سازند. باین ترتیب می توان و باید گروههای تند و افراطی را منزوی ساخت و نقشه دشمنان اسلام و مسلمانان را نقش بر آب ساخت.